

مذاکره سیاسی در سیره پیامبر اکرم (ص): اصول و اهداف (مطالعه موردی: صلح حدیبیه)

محمد قاسمی شوب^۱، محمدرضا شاهرودی^۲، سیدمحمدعلی ایازی^۳
(دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۲۱، پذیرش نهایی: ۹۹/۰۵/۱۲)

چکیده

مذاکره سیاسی، ابزاری کارآمد از طریق گفت و گو برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات است و نقشی اساسی در دستیابی به اهداف، مصالح و منافع حکومت‌ها یا دو جریان متخاصم دارد. با این وجود، اختلاف‌نظرهایی در خصوص مذاکره و حدود آن به دلیل تفاوت برداشت‌های جریان‌های فکری سیاسی از متون و منابع دینی از جمله سیره پیامبر (ص) وجود داشته است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها در سیره پیامبر اکرم (ص)، مذاکراتی است که به صلح حدیبیه انجامید. در این پژوهش با توجه به منابع معتبر تاریخی و روایی در ارتباط با سیره پیامبر (ص) و از طریق روش تحلیل محتوا، مهم‌ترین اصول ایشان در مذاکرات، به صورت دستورالعمل‌های سه‌گانه پنداری، رفتاری و گفتاری بررسی می‌شود و در ادامه، مهم‌ترین اهداف این مذاکرات در قالب: تأمین منافع طرفین با جلوگیری از منازعه، فراهم آوردن زمینه برای تحقق آرمان‌های الهی و به رسمیت شناخته شدن حکومت اسلامی، شناسایی و تبیین شده است.

کلید واژه‌ها: مذاکره سیاسی، صلح حدیبیه، سیره پیامبر اکرم (ص)، روایات فریقین.

۱. دانشجوی دکتری رشته الهیات- علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، mohammadkonkoor@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول، mhshahroodi@ut.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، m.ayazi@srbiau.ac.ir

مقدمه

با بررسی سیره^۱ پیامبر اکرم (ص) که در اثناء آثاری با عنوان سیره نبوی و گاه در متون و منابع اصیل روایی تاریخی گزارش شده است،^۲ می‌توان به نمونه‌های متعددی از مذاکرات سیاسی پیامبر (ص) با مخالفان - یعنی کسانی که در باور، عقیده و رفتار با ایشان متفاوت بوده‌اند و از منظر سیاسی با آن حضرت، اختلاف جدی داشته‌اند - دست یافت که این خود نشان‌دهنده جواز مذاکره به‌طور کلی است. در اینجا توجه به این نکته حائز اهمیت است که بخش چشمگیری از مذاکرات سیاسی پیامبر اسلام (ص)، فعالیت‌هایی است که آن حضرت (به‌عنوان رئیس حکومت) و نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه نیل به مقاصد و تحقق خط مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین پاسداری از حقوق و منافع حکومت اسلامی انجام داده‌اند (نک: عمید زنجانی، ۱۱۶). در سیره پیامبر اکرم (ص)، مذاکره به عنوان راه حلی مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته شده و از همان دوران برای رفع منازعات با سایر قبائل و حکومت‌ها و نیز نشر آیین توحیدی از آن بهره گرفته شده است. حتی به عقیده برخی صاحب‌نظران، گسترش و توسعه اسلام تا حد قابل توجهی مدیون مذاکرات سیاسی رسول مکرّم اسلام (ص)، به انگیزه‌ها و اشکال گوناگون در مراحل مختلف انجام رسالت بوده است (شبان نیا، ۵-۲۶).

از دیگر سو، یکی از مهم‌ترین سلسله مذاکرات سیاسی گزارش شده در سیره پیامبر اکرم (ص)، مذاکرات منتهی به صلح حدیبیه واقع در سال ۶ ق است؛ بنابراین، بررسی منابع روایی تاریخی مربوط با این رخداد تاریخی می‌تواند در مطالعه در باب اصل موضوع مذاکره سیاسی و تبیین حدود آن در سیره پیامبر (ص) بسیار مفید باشد.

۱. به شرح احوال و تاریخچه وقایع حیات پیامبر (ص) بر مبنای اخبار و روایات وارده «سیره» گفته می‌شود (نک به: سیرت رسول الله قاضی ابرقوه، مقدمه اصغر مهدوی، ۱/۱). همچنین از منظری دیگر، منظور از سیره نبوی، بیان تمام امور مرتبط با حیات پیامبر (ص) در راستای رسالت اسلام و اموری از قبیل معرفی اجداد و نیاکان ایشان، اصحاب و کسانی که در آزمایشات و امتحانات به منظور دعوت و اقامه دین همراه آن حضرت بودند است که شامل مواردی مانند حوادث، جنگ‌ها و پیمان نامه‌ها می‌شود (نک به: جوامع السیره النبویه ابن حزم اندلسی، مقدمه عبدالکریم سامی الجندی، ۳).

۲. برای نمونه نک: کلینی، ۳۲۲/۸-۳۲۷؛ مجلسی، ۳۴۷/۲۰-۳۵۷؛ همان، ۳۶۱-۳۶۸؛ ابن هشام، ۲/۳۰۸-۳۲۷؛ واقدی، ۵۷۱/۲-۶۳۳؛ قمی، ۳۰۹-۳۱۴؛ طبرسی، إعلام الوری باعلام الهدی، ۹۶-۹۹؛ احمدی میانجی، ۷۷/۳؛ مسلم، ۱۴۱۰/۳-۱۴۱۳؛ بخاری، ۴۰/۴ و ۴۰۱؛ همو، ۳۵۲/۶ و ۳۵۳؛ همان، ۳۶۳-۳۶۶؛ ابن حنبل، ۸۴/۲-۸۶؛ ابوداود، ۷۹۰/۲؛ همو، ۱۲۰۳/۳-۱۲۰۵؛ دارمی، ۱۶۳۰/۳.

در پژوهش حاضر، با مراجعه به منابع معتبر و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا می‌کوشیم مهم‌ترین اصول و اهداف مذاکرات سیاسی پیامبر (ص) را در قالب بررسی مذاکرات صلح حدیبیه، که قرآن کریم از آن به «فتح مبین»^۱ یاد کرده است، شناسایی و تبیین کنیم.

پیشینه

پیرامون مذاکره سیاسی در سیره پیامبر اسلام(ص) با محوریت صلح حدیبیه، پژوهش‌چندانی انجام نیافته است، اما صاحب نظرانی در اثنای تحقیقات خود به پاره‌ای از جنبه‌های این موضوع به اجال اشاره کرده‌اند:

عمید زنجانی در مقاله‌ای با عنوان «گوشه‌ای از دیپلماسی پیامبر اسلام(ص)، مذاکره با سفرا و نمایندگان قبایل و گروه‌های مذهبی و دولت‌ها» به عنصر دیپلماسی در زندگی پیامبر(ص) می‌پردازد و در این زمینه به طور کلی و نه بر اساس واقعه یا برهه تاریخی خاص، تمام شیوه‌های راهبری پیامبر (ص) در دعوت، اعزام سفرا و هیئت‌های نمایندگی، ارسال پیام به سران حکومت‌های بزرگ و کوچک و برخوردهای منطقی با مخالفان را نشانه‌هایی از تعامل فعال پیامبر (ص) در عرصه‌های سیاسی بین‌الملل دانسته است (عمید زنجانی، ۱۹۱-۲۱۰). همچنین شبان‌نیا در مقاله «کاربست مذاکره در دیپلماسی کشور اسلامی» ضمن آن که نقش مذاکره را به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار در رهبری سیاسی در تعاملات بین حکومت‌ها تبیین کرده، بر مشروعیت مذاکره کشور اسلامی با سایر حکومت‌ها صحنه گذاشته است. از نظر وی، مذاکره زمینه‌ساز تحقق اهدافی متعالی است، همچون: تحقق آرمان‌های جهانی اسلام، هدایت، اتحاد، تثبیت امنیت، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، رفع اختلافات، حفظ نظام اسلامی، ثبات نظام بین‌الملل، انعقاد و تعهد به معاهدات و تضعیف جبهه طاغوت (شبان‌نیا، ۵-۲۶). نیز افتخاری در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی حکومت پیامبر(ص)»، با توجه به فضای سیاسی حاکم بر نخستین حکومت اسلامی در صدد برآمده تا در قالب ساختار و اصطلاحات علوم سیاسی، رهبری سیاسی در حکومت پیامبر(ص) را بررسی کند. وی در

۱. در منابع تفسیری سبب نزول سور فتح و آیه شریفه «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (فتح/۱)، صلح حدیبیه و وقایع و مذاکرات مرتبط با آن معرفی شده است (نک: قمی، ۳۰۹/۲-۳۱۴؛ بخاری، ۲۲/۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۶۶/۹؛ طباطبائی، ۲۵۲/۱۸ و ۲۵۳).

این زمینه مواردی مانند: مکاتبه، مذاکره، امان دادن، عفو و بخشش، ترغیب، گسترش روابط، تظاهر، وقت‌گشی، میانجی‌گری، جلوگیری از تشنج و استفاده بهینه از شرایط تحمیلی را از جمله مهم‌ترین روش‌های مدیریت سیاسی در عرصه بین‌الملل دانسته که پیامبر(ص) از آن‌ها بهره برده است (افتخاری، ۲۲-۵۳). بادران در مقاله‌ای کوتاه با عنوان «دیپلماسی نبوی (استراتژی پیامبر در صلح حدیبیه)» برخی از اصول رهبری سیاسی پیامبر(ص) را با توجه به این صلح بیان کرده است؛ اصولی مانند: توحید، وفای به عهد، رعایت احترام و نزاکت بین الملل، از جمله مواردی است که بر اساس صلح حدیبیه به آن اشاره می‌کند (بادران، ۵۰-۵۱). در برخی از آثاری که به صلح حدیبیه توجه شده، جنبه‌های تخصصی مرتبط با مذاکره سیاسی، به‌ویژه اصول و اهداف آن با مطالعه بر صلح حدیبیه مغفول مانده است. مثلاً در مقاله فخاری و برخوردار با عنوان «بررسی استراتژی پیامبر اعظم(ص) در صلح حدیبیه بر اساس تحلیل سوات»، نگارندگان با استفاده از الگویی علمی و بر اساس قاعده تلازم حکم عقل و شرع به تحلیل علمی استراتژی پیامبر(ص) پرداخته‌اند و در نهایت بر اساس الگوی مذکور به کمک تحلیل شرایط درونی و برونی جامعه اسلامی، برخی از نتایج صلح حدیبیه را در پیشرفت اسلام و تغییر وضعیت جامعه اسلامی را توضیح داده‌اند و دوراندیشی پیامبر(ص) را به عنوان رهبر مدبر جامعه اسلامی تبیین کرده‌اند (فخاری، برخوردار، ۵۱-۷۸). در اکثر آثار مذکور، بخش‌هایی از رهبری پیامبر(ص) در مذاکرات سیاسی به صورت کلی و اجمالی بررسی شده، در حالی که در پژوهش حاضر بناست به مذاکره سیاسی در سیره پیامبر(ص) با رویکردی خاص و مطالعه موردی صلح حدیبیه بپردازیم و مهم‌ترین «اصول و اهداف پیامبر(ص)» در این مذاکرات به صورت جامع تبیین شود.

۱. صلح حدیبیه؛ مراحل و روند مذاکرات آن

حُدَيْبِيَّة/ حُدَيْبِيَّة، آبادی نه‌چندان بزرگی بود که به اعتبار چاه یا درختی به نام «حَدَبَاء» بدین نام خوانده می‌شد. فاصله حدیبیه تا مکه، یک مرحله و تا مدینه نه مرحله است. در اینکه حدیبیه داخل در «حِلّ» یا «حَرَم» است، گزارش‌ها مختلف است؛ بخشی از آن را داخل در حِلّ و بخشی دیگر را داخل در حَرَم دانسته‌اند و بدین ترتیب دورترین حِلّ از حَرَم، حدیبیه است. در اثنای مذاکرات حدیبیه در این منطقه یاران پیامبر(ص) زیر

درختی که قرآن از آن یاد کرده است، با ایشان بیعت^۱ کردند و سپس مسلمانان در آنجا مسجدی بنا کردند که به نام «شجره» موسوم گشت (یاقوت حموی، ۲۲۹/۲، ۲۳۰؛ نک: بکری، ۴۳۰/۲). اکنون این منطقه در ۲۰ کیلومتری مکه شناخته است (فائدان، ۱۴۰؛ نک: قرچانلو، ۱۰۲). در بیان کیفیت این مذاکرات آورده‌اند که مسلمانان در ذی‌القعدة سال ۶ ق براساس دستور پیامبر (ص)، به منظور حج عمره عازم مکه شدند^۲ (ابن هشام، ۳۰۸/۲). سران قریش پس از اطلاع از این موضوع برای جلوگیری از ورود مسلمانان، دویست سوار را به فرماندهی خالد بن ولید به سوی ایشان فرستادند (واقعی، ۵۷۹/۲). مسلمانان که قصد رویارویی نداشتند، مسیر خود را به طرف راه فرعی تغییر دادند و سرانجام در منطقه حدیبیه فرود آمدند (ابن‌هشام، ۳۰۹/۲). حرمت جنگ در ماه‌های حرام و برخی عوامل، موجب می شد که دو طرف میلی به جنگ و نبرد نشان ندهند و بدین ترتیب، مقدمات سلسله مذاکرات سیاسی میان قریش و پیامبر (ص) فراهم آمد.

۱-۱. مذاکرات پیش از صلح^۳

با عنایت به شرایط مذکور، نمایندگان متعددی از جانب طرفین به منظور مذاکره با یکدیگر حضور یافتند، با دو انگیزه بجای آوردن حج عمره از سوی مسلمانان و ممانعت از حضور مسلمانان در مکه از سوی مشرکان. نمایندگان از طرف قریش به سوی مسلمانان می آمدند و گاه از ناحیه پیامبر اکرم (ص) نمایندگان نزد قریشیان می رفتند (نک: ابن هشام، ۳۱۱/۲-۳۱۷).

۱. مفسران آیه شریفه: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح/ ۱۸) را که در آن خداوند از بیعت اهل ایمان با پیامبر (ص) و در ضمن آن از رضایت خود از ایشان یاد کرده، ناظر به سلسله مذاکرات مذکور دانسته از این بیعت به «بیعت رضوان» یاد کرده‌اند (ابن هشام، ۳۱۵/۲؛ واقعی، ۶۱۹/۲؛ طوسی، ۳۲۸/۹؛ زمخشری، ۳۳۲/۴؛ طباطبائی، ۲۸۴/۱۸). «رضوان»، عنوانی برگرفته از آیه «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ...» (فتح/ ۱۸) است که شأن نزول آن، بیعت یاران پیامبر (ص) با آن حضرت در اثنای مذاکرات صلح حدیبیه است (طبری، جامع البیان، ۵۳/۲۶؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۷۶/۹).

۲. رسول خدا نمیه بن عبدالله لثی یا همان عبدالله بن أم مکتوم را در مدینه گذاشت و با مهاجر و انصار و اعرابی که همراه شده بودند، از مدینه رهسپار مکه شد (آیتی، ۴۶۰).

۳. ترتیب تقدّم و تأخّر مذاکرات نمایندگان قریش بر اساس ترتیب وارده در کتاب المغازی واقعی (۲۰۷) است (نک: واقعی، ۵۹۳/۲-۶۰۳).

قریش ابتدا برای اطلاع از خواسته پیامبر (ص)، یکی از بزرگان قبیله خزاعه^۱ به نام بدیل بن ورقاء خزاعی را با هیئتی نزد پیامبر (ص) فرستاد^۲ (همان، ۳۱۱؛ ابن حنبل، ۲۱۳/۳۱). او پس از درک قصد پیامبر (ص)، به ایشان نسبت به عزم قریش در جلوگیری از ورود مسلمانان و جنگ هشدار داد. پیامبر (ص) در مقابل، قصد خود را که ادای عمره بود، ابراز داشت (واقدی، ۵۹۳/۲ و ۵۹۴؛ ابن اثیر، الکامل، ۲۰۲/۲؛ کلینی، ۳۲۳/۸) و پیشنهاد انعقاد پیمان آتش‌بس و صلح با قریش را مطرح فرمود (نک: واقدی، ۵۹۳/۲؛ بخاری، ۴/۴۲۴، ۴۲۵؛ طباطبایی، ۱۸/۲۶۶). البته رسول خدا (ص) بر پایداری نسبت به اصل دعوت به اسلام تأکید کرد. سپس بدیل به مکه بازگشت و علی‌رغم امتناع برخی از شنیدن پاسخ پیامبر (ص)، پیام صلح ایشان را به قریش رسانید (نک: ابن هشام، ۳۱۱/۲). آنگاه عروه بن مسعود (۸ ق) بزرگ قبیله ثقیف از جانب قریش نزد پیامبر (ص) آمد و مذاکره را با متهم کردن مسلمانان به تجاوز به حریم قریش آغاز کرد. سپس ضمن توسل به تهدید، کوشید با سخنان خود روحیه مسلمانان را تضعیف کند (نک: طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۲/۶۲۶؛ بخاری، ۴/۴۲۶؛ کلینی، ۳۲۴/۸). پیامبر (ص) در مقابل، همان پاسخی را که به بدیل داده بود، به او نیز داد. عروه با مراجعت نزد قریش، ضمن طرح پیشنهاد صلح، ایشان را به ترک جنگ با پیامبر (ص) توصیه کرد (واقدی، ۵۹۹/۲).

در این مرحله قریش، حلیس بن علقمه، بزرگ «احابیش» را که هم‌پیمان با قریش بود، به سوی مسلمانان فرستاد. پیامبر (ص) با شناختی که از او داشت، به همراهانش فرمود: «او از قومی است که هدی (= قربانی) را بزرگ می‌دارند و خدای را می‌پرستند. شتران قربانی را پیش فرستید تا آن‌ها را ببیند» (ابن هشام، ۳۱۲/۲؛ واقدی، ۵۹۹/۲). او با مشاهده شتران از همان‌جا بازگشت و در گزارش خود به قریش، ضمن دفاع از پیامبر (ص)، قریش را به قطع همکاری و مقابله تهدید کرد (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۲/۶۲۸؛ کلینی، ۸/۳۲۵). آنگاه قریش، مکرز بن حفص بن الأخیف را به عنوان نماینده خود برای ادامه مذاکره سوی پیامبر (ص) فرستاد، اما حضرت از دور او را

۱. خزاعه به عنوان واسطه ای مورد قبول طرفین در این مذاکره غیر مستقیم (به عنوان طرف ثالث) نقش داشت. ایشان پیش از اسلام با «عبدالمطلب» (جد پیامبر (ص))، پیمان مشترک دوستی و دفاعی منعقد کرده بودند که در آن بر دوام و اشتغال آن بر فرزندان عبدالمطلب تصریح شده بود (حمیدالله، مجموعه الوثائق السیاسیه، ۲۷۳-۲۷۵).

۲. بنا بر نقلی این نماینده ابان بن سعید بود (کلینی، ۳۲۳/۸).

شناخت و با عنایت به آن که او مردی اهل نیرنگ بود، از صحبت با او امتناع کرد (واقعی، ۵۹۹/۲؛ بخاری، ۴/۴۲۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۷۹/۹).

در ادامه، پیامبر (ص) بر آن شد تا خراش بن‌امیه را نزد قریش بفرستد تا ذهن مشرکان را نسبت به انگیزه اصلی مسلمانان روشن و قصد ایشان را برای ادای عمره اعلام کند؛ اما قریشیان شتر او را کشتند و خراش خود با کمک احابیش نجات یافت و نزد مسلمانان بازگشت (ابن هشام، ۳۱۴/۲).

پس از این حادثه، پیامبر (ص)، عثمان بن عفان (۳۵ ق) را برای ادامه مذاکرات نزد قریش فرستاد (نک: واقعی، ۶۰۰/۲). پیامبر (ص) برای این مرحله تصمیم داشت عمر بن خطاب (۲۳ ق) را به مکه بفرستد، اما عمر به این عذر که بر جان خود بیمناک است، عثمان را برای این مأموریت پیشنهاد کرد (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۶۳۱/۲؛ کلینی، ۸/۳۲۵)؛ زیرا عثمان در مقایسه با عمر، نرم‌خو و علاوه بر این، از بنی‌امیه بود و اقوام بانفوذی در میان سران قریش داشت (نک: ابن عبدالبر، ۱۰۳۷/۳). عثمان در بلدح حضور یافت و با قریشیان سخن گفت. سپس در پناه ابان بن سعید بن عاص (۱۳ ق) که از بنی امیه و با وی هم‌خانده بود، وارد شهر شد و با بزرگان قریش مذاکره کرد. درنگ عثمان سه روز طول کشید و چنین شایع شد که عثمان را کشته‌اند^۱ (واقعی، ۶۰۱/۲ و ۶۰۲).

سرانجام سران قریش که آماده پذیرش صلح شده بودند، هیئتی سه نفره از بزرگان خود را با سرپرستی سهیل بن عمرو برای مذاکره فرستادند (واقعی، ۶۰۲/۲). سهیل، علاوه بر مهارت در سخنوری (نک: ابن اثیر، اسد الغابه، ۳۲۸/۲)، صلح‌جو و نرم‌خو بود؛ چنان‌که پیامبر(ص) هنگام نخستین ملاقات با دیدن سهیل به یارانش فرمود: «سَهْلٌ أَمْرُهُمْ» (کار قریش آسان است) (واقعی، ۶۰۳/۲). قریش بی آن‌که از موضع خود در ممانعت از ورود پیامبر (ص) و مسلمانان به مکه عقب‌نشینی کنند، و به راه‌حل مسالمت‌آمیز روی آوردند و در نهایت از جنگ، کناره گرفتند (مقریزی، ۲۹۰/۱).

۲-۱. مذاکرات درباره نگارش صلح‌نامه

پس از مراحل مذکور و تصمیم بر صلح، سرانجام مذاکراتی در خصوص نحوه تنظیم و نگارش صلح‌نامه - به کتابت امام علی(ع) - بر سر برخی مسائل اختلافی، میان هیئت

۱. بنا بر روایت طبری از ابن اسحاق: «قریشیان سهیل بن عمرو را پس از آن فرستادند که پیامبر(ص) با عثمان بن عفان پیامی برای آنها فرستاده بود» (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۶۳۰/۲).

اعزامی قریش و پیامبر (ص) صورت پذیرفت. با اقدام هوشمندانه پیامبر اسلام (ص) - که در ادامه پژوهش (بخش‌های ۳-۲-۳ و ۳-۳-۱) بدان خواهیم پرداخت - موارد محل مناقشه رفع گردید و سرانجام مذاکرات به توافق و انعقاد صلح‌نامه و تأمین خواسته طرفین انجامید (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۶۲۸/۲-۶۲۹؛ واقدی، ۶۰۴/۲-۶۰۶؛ بخاری، ۴/۴-۴۲۸-۴۲۹؛ کلینی، ۳۲۶/۸-۳۲۷).

۲. اصول مذاکرات سیاسی پیامبر (ص)

مراد از اصول^۱ مذاکرات پیامبر اکرم (ص) در این سخن، مجموعه قواعد و دستورهای کلی ایشان در مواضع و مواقعی است که رسول خدا (ص) از مذاکره به عنوان راهبرد در اهداف حاکمیتی دین بهره برده‌اند. اصول برگرفته از سیره گفتاری و کرداری آن حضرت، در جریان مذاکرات صلح حدیبیه در سه حوزه «روانی - پنداری»، «رفتاری - کرداری» و «بیانی - گفتاری» به شرح ذیل، قابل ارائه و تبیین است.

۲-۱. اصول روانی - پنداری مذاکره

بخشی از اصول مذاکرات سیاسی، اصول مرتبط با حوزه فکری روانی است که با پندارآفرینی و بینش‌دهی صحیح به نماینده‌های مسلمانان موجب می‌گردد تا خط فکری و نقشه راه عملی ایشان در مذاکره، در چهارچوب آموزه‌های اسلام ترسیم گردد. مهم‌ترین اصول روانی - پنداری برگرفته از مذاکرات حدیبیه به شرح ذیل است:

۲-۱-۱. عزت و سربلندی

احساس سربلندی و به دنبال آن رعایت عزت اسلام و مسلمانان، یکی از اصول مهمی

۱. واژه «اصول» جمع مکسر «اصل» (جوهری، ۱۶۲۳/۴) و در لغت به معنای قسمت پایین و ریشه هر چیز (راغب اصفهانی؛ ۷۸) و پایه و بُن آن است و در مقابل آن فرع است (بستانی، ۸۵). اصول در معنای اصطلاحی، قواعدی است که می‌توان آن را نوعی دستورالعمل کلی دانست. در این صورت، لسان بیان اصول با مبانی متفاوت خواهد بود؛ طبق نظر برخی از محققان معاصر در ترمینولوژی این اصطلاح، مبانی از «هست‌ها» سخن می‌گوید، اما اصول، از «بایدها». به عبارت دیگر، با مبانی از «بودن چیزی» مطلع می‌شویم، اما با اصول، از «بایستگی دیگر چیز» بر اساس آن آگاهی می‌یابیم. باید عنایت داشت که این اصول و دستورهای کلی با توجه به مبانی و اهداف استخراج می‌گردد. به عبارت دیگر، اصول «کشف شدنی» است، نه این‌که به دلخواه و میل هر کس «وضع» گردد (باقری، ۶۴-۶۵).

است که در آیات قرآن^۱ و احادیث نبوی^۲ در مواضع گوناگون و از جمله مذاکره بر آن تأکید شده است. بر این اساس، مسلمانان نباید از موضع ضعف با دشمن مذاکره کنند بلکه با الهام از سیره پیامبر(ص) در جریان صلح حدیبیه، باید با عزت و اقتدار با طرف مقابل مواجه شوند. پیامبر(ص) در مقابل تهدید بدیل (واقدی، ۵۹۳/۲ و ۵۹۴) و تمسخر عروه (ابن هشام، ۳۱۳/۲) نمایندگان قریش، ضمن پاسخ مناسب به هریک، موضع خویش را حفظ کرد؛ چندان که عروه در توصیف پیامبر(ص) و یارانش گفت تاکنون هیچ کسی را ندیده است که این چنین از پیشوای خویش متابعت کند (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۶۲۷/۲؛ بخاری، ۴۲۷/۴). همچنین پیامبر گرامی اسلام برای حفظ موضع خویش، حاضر نشد به هر قیمتی با یکی از نمایندگان قریش، یعنی مکرز بن حفص دیدار کند (واقدی، ۵۹۹/۲؛ بخاری، ۴۲۸/۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ۹/۱۷۸).

۲-۱-۲. امیدواری و اعتماد بر تحقق وعده الهی

امیدواری، ایمان و باور عمیق به تحقق وعده‌های الهی، یکی از مهم‌ترین اصول روانی-پنداری مذاکرات سیاسی پیامبر اکرم(ص) در حدیبیه است. یکی از این وعده‌ها، وعده نصرت الهی به پیامبر(ص) در مواجهه با قریش بود. در این خصوص خداوند از طریق رؤیا به پیامبر(ص) وعده داده بود که ایشان و اصحابش داخل مسجدالحرام خواهند شد.^۳ روایت منقول از امام صادق(ع) مؤید این مدعاست: سبب نزول این آیه و این فتح، چنان بود که خدای (عزوجل) به پیامبرش(ص) در رؤیا دستور داده بود که داخل مسجدالحرام شود و در آنجا طواف کند و همراه با دیگران سر خود را بتراشد؛ یعنی حج را به اتمام رساند. رسول خدا(ص) نیز با اعلام این مطلب، به اصحاب خود دستور داد تا با او خارج شوند (قمی، ۳۰۹/۲-۳۱۰). بنابراین، در این مذاکرات با وجود تهدید مسلمانان به جنگ، پیامبر(ص) امیدوارانه و با اعتماد بر این وعده الهی، بر موضع خود برای ادای حج ایستاد و در نهایت نیز موفق شد تا با انعقاد صلح‌نامه به این خواسته خود

۱. خداوند سبحان در این زمینه می‌فرماید: «...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...» (منافقون/۸)

۲. حدیث نبوی «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يَغْلَى عَلَيْهِ» (صدوق، ۳۳۴/۴) گواه این مدعاست.

۳. از دیدگاه مفسران، آیه ۲۷ سوره فتح، ناظر به وعده الهی به پیامبر(ص) مبنی بر ورود از روی عزت و بدون خوف از مشرکان به مسجد الحرام در رؤیایی بود که ایشان دیده بود (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۶۸/۲۶؛ طوسی، ۳۳۵/۹؛ طباطبایی، ۲۹۰/۱۸).

برای سال‌های آتی دست یابد (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۶۲۵/۲؛ بخاری، ۴۲۴/۴؛ کلینی، ۳۲۳/۸-۳۲۴).

۲-۱-۳. عملیات روانی (تضعیف روحیه)

یکی از اصول روانی پنداری در مقابل غیر اهل ایمان در مذاکره، عملیات روانی است. پیامبر (ص) ضمن پیشنهاد صلح به نماینده قریش، بدیل بن ورقاء، فرمود: «جنگ، قریش را خسته و ضعیف کرده و خسارات و تلفات زیادی بر آنها وارد ساخته است و اگر تمایل دارند مدتی با آنها پیمان آتش بس می‌بندم» (واقدی، ۵۹۳/۲؛ بخاری، ۴۲۵/۴؛ قمی، ۳۱۱/۲). ایشان از این طریق نیازمندی قریش به صلح را مطرح فرمود و خود را بی‌نیاز از آن نشان داد.

۲-۲. اصول رفتاری - کرداری

براساس سیره پیامبر (ص) در مذاکرات صلح حدیبیه، مهم‌ترین اصول و دستورهای کلی مربوط به رفتار و عمل که نماینده‌های مسلمانان در اثنای مذاکرات باید بدان پایبندی نشان می‌دادند، تحت عنوان اصول رفتاری - کرداری به شرح ذیل، قابل ارائه است:

۲-۲-۱. پیشگامی و آمادگی برای مذاکره

یکی از اصول رفتاری در رهبری سیاسی پیامبر (ص) در مذاکرات، فراهم کردن زمینه برای گفت‌وگو و طرح آن با مخالفان است؛ به نحوی که این پیشگامی در سیره آن حضرت کاملاً مشهود است. در جریان حدیبیه هر چند پیامبر (ص) به قصد حج آغاز به حرکت کردند، اما مجموعه اقدامات ایشان، زمینه را برای شکل‌گیری مذاکرات پدید آورد: نخست آن‌که در این سفر به مسلمانان فرمود تا جز شمشیری غلاف شده - سلاح متعارف مسافران - ادوات جنگی دیگری با خود حمل نکنند. دیگر آنکه از درگیری نظامی با خالد بن ولید که به منظور جلوگیری از ورود پیامبر (ص) به مکه از جانب سران قریش همراه با سوارانی فرستاده شده بود، خودداری کرد (واقدی، ۵۷۳/۲). این

۱. آمادگی برای صلح و مقدمات آن و پیشگامی در مذاکره به منظور ایجاد فضای صلح، همچون مذاکره که خود با ادله قرآنی قابل اثبات است، مانند آیه شریفه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال/۶۱).

دو عامل در کنار گذشته نیک پیامبر (ص) و احترام ایشان به ماه‌های حرام^۱ سبب گردید تا زمینه مذاکرات بین طرفین مهیا گردد. علاوه بر موارد فوق، پیامبر (ص) در نخستین دیدار خود با نماینده قریش، به صراحت پیشنهاد مذاکرات و انعقاد پیمان صلح را مطرح کرد (نک: واقدی، ۵۹۳/۲؛ بخاری، ۴/۴۲۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۷۸/۹). واضح است که پایبندی به این اصل رفتاری از سوی پیامبر اکرم (ص)، مبتنی بر مبنای رجحان صلح بر جنگ و منازعه در اسلام است.

۲-۲-۲. تناسب رفتاری

دیگر از اصول مذاکرات سیاسی در سیره پیامبر (ص)، اصل رعایت رفتار متقابل است که از آن به تناسب رفتاری نیز یاد می‌کنند؛ بر این اساس، مسلمانان در مراحل مذاکره باید با توجه به نوع رفتارهای طرف مقابل، رفتارهای متناسب در پیش گیرند (ابوالوفا، ۸۶). در این باب، در مراحل مذاکرات حدیبیه شواهدی هست که به برخی از آنها اشاره می‌شود: هنگامی که شایعه کشته شدن عثمان و سپس اخبار اسارت برخی از مسلمانان که به مکه رفته بودند و نیز شیخون قریش (واقدی، ۶۰۲/۲ و ۶۰۳) به مدینه رسید، پیامبر ضمن دستور تعلیق مذاکرات، به تناسب گزارش واصله از اقدامات خصمانه قریش، مسلمانان را مهیای جنگ کرد و حاضر نشد مذاکرات را هر شرایطی ادامه دهد (نک به: طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۵۴/۲۶؛ مجلسی، ۳۳۰/۲۰). هم‌چنین هنگامی که نماینده هیئت مذاکره کننده قریش سهیل بن عمرو از پیامبر(ص) خواست تا اسیران قریش را آزاد کند،^۲ پیامبر(ص) در پاسخ فرمود: «آنان را آزاد نمی‌کنم، مگر آن که شما نیز یاران مرا آزاد کنید» (واقدی، ۶/۲).

۲-۲-۳. نرمش مصلحت‌آمیز

یکی از اصول مذاکرات سیاسی، صرف‌نظر از پاره‌ای امتیازات، بنابر مصالح است؛ البته نه

۱. بر پایه تحلیل برخی از محققان معاصر، قریش کمابیش اطمینان یافته بود که پیامبر اسلام (ص) برای مکه و ماه‌های حرام (از جمله ذی قعدة) حرمت نگاه می‌دارد (منتظری مقدم، ۱۰۵).

۲. پیش از برگزاری بیعت رضوان، گروهی ۵۰ نفره از قریشیان به فرماندهی مکرز بن حفص به قصد شیخون و ضربه به سپاهیان اسلام آمده بودند که شماری از آنها به دست مسلمانان اسیر شدند (واقدی، ۶۰۲/۲).

بدان معنا که اصول و مبانی نادیده گرفته شود.^۱ از دید برخی از محققان، این نرمش، انعطافی از سر ضعف و ذلت نیست، بلکه از روی هوشمندی، حرکتی صحیح و منطقی در مدیریت مذاکره، ضمن رعایت خطوط قرمز است (یوسفیان، ۳۵-۶۲). در مذاکرات حدیبیه نیز پیامبر (ص)، ضمن آنکه از قصد خود برای اقامه آیین حج ابراهیمی، با عنایت به مصالح موجود دست نکشید، حاضر شد تا آن سال بدون انجام حج به مدینه بازگردد، اما پیرو آن موفق شد تا با انعقاد توافق نامه برای سال‌های آینده، ادای عمره را برای سال‌های بعد تضمین کند. همچنین در مذاکرات مربوط به نحوه تنظیم و نگارش توافق نامه صلح نیز اختلافاتی پیش آمد که با عنایت به همین اصل و تصمیم حکیمانه پیامبر (ص) اختلافات حل شد؛ مواردی مانند: ۱- اعتراض قریش به عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و تغییر آن به «باسمک اللهم» ۲- اعتراض قریش به «محمد، رسول خدا» و تغییر آن به «محمد بن عبدالله»؛ ۳- پذیرش این شرط که «اگر شخصی از ما (قریش) نزد تو آمد، اگر چه بر دین تو باشد، او را به ما بازگردانی» (ابن هشام، ۴/۱۰۵؛ مقریزی، ۹/۱۱-۱۲؛ بخاری، ۴/۴۲۸-۴۲۹؛ کلینی، ۸/۳۲۶-۳۲۷؛ دارمی، ۳/۱۶۳۰). پس از نیل طرفین به توافق، عمر بن خطاب به پیامبر (ص) اعتراض کرد و با اتکا به برداشت خود، این صلح را موجب حقارت مسلمانان دانست (مسلم، ۳/۱۴۱۲)، در حالی که پیامبر اکرم (ص) با این اقدام هوشمندانه، مصالح مسلمانان و منافع و برکات بسیار آن را در نظر داشت (شهیدی، ۹۱).

۲-۲-۴. التزام به وفای به عهد

یکی از مهم‌ترین اصول اسلام که خداوند سبحان بارها بر آن تأکید فرموده، لزوم پایبندی به عهد و پیمان است (نک: اسراء/۳۴). در سیره پیامبر اکرم (ص) نیز وفای به عهد از مهم‌ترین اصول مذاکرات سیاسی است (پورامینی، ۳۴). برای نمونه، یکی از

۱. نظیر این امر در مواجهه امیرالمؤمنین علی(ع) در جنگ صفین نیز ملاحظه شد: هنگامی که معاویه در آستانه شکست بود، امام در برابر حيلة عمرو عاص و پافشاری طبقه قراء یا خوارج بعدی، حکمیت را علی رغم نظر خود پذیرفت. بر اساس گزارش‌های تاریخی، بیست هزار نفر از سپاه امام علی(ع) که شمشیرهای شان را بر گردن آویخته بودند و پیشانی‌های شان در اثر سجده سیاه شده بود و بعد از این ماجرا خوارج نامیده شدند، گفتند: «یا علی(ع)! دعوت این قوم که تو را به سوی کتاب خدا می‌خواند را اجابت کن و گرنه همچنان که عثمان را کشتیم، تو را نیز می‌کشیم و اگر دعوت آنها را اجابت نکنی، به خدا قسم چنین خواهیم کرد» (نصر بن مزاحم، ۴۹۰).

توافقات در مراحل مذاکرات حدیبیه، بازگرداندن مسلمانانی بود که از مکه به مدینه روی می‌آوردند. بنابر روایات، وقتی مذاکره بر سر متن صلح‌نامه جریان داشت، ابوحنبل، فرزند سهیل بن عمرو که تازه مسلمان شده بود و او را در مکه به زنجیر کشیده بودند، گریخت و با همان غل و زنجیر خود را به مسلمانان رساند. سهیل به پیامبر (ص) گفت: این اولین شرطی است که باید به آن عمل کنی و او را به من بازگردانی. پیامبر (ص) نخست کوشید سهیل را منصرف کند، اما چون نماینده قریش پافشاری کرد و پیامبر (ص) نیز در مراحل مذاکرات این شرط را پذیرفته بود، ابوحنبل به مکه بازگردانده شد (ابن هشام، ۱۰۶/۴-۱۰۵؛ بخاری، ۴۲۸/۴-۴۲۹؛ کلینی، ۳۲۶/۸-۳۲۷).

۲-۲-۵. تضمین مصونیت سفیران

در روابط سیاسی سفیران، نمایندگان مصونیت دارند و نباید به ایشان تعرض شود (صدر، ۷۷). در سیره پیامبر(ص) این اصل در خصوص گروه‌های مذاکره کننده و نمایندگان رعایت می‌شد و آنها مصونیت جانی داشتند (حمیدالله، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، ۲۷۲-۲۷۴). در مذاکرات صلح حدیبیه، قریش از ورود نخستین نماینده پیامبر (ص) خراش بن امیه به مکه جلوگیری کرد و ضمن کشتن شترش قصد جان او را داشت (ابن هشام، ۳۱۴/۲). پیامبر(ص) در مقابل، کاملاً به این اصل پایبند بود و در تمامی مراحل مذاکرات، مسلمانان متعرض امنیت نمایندگان قریش نشدند. در مرحله نهایی مذاکرات، هنگامی که پیامبر (ص) بر اساس اصل وفای به عهد، ابوحنبل (تازه مسلمان گریخته از مکه) را به پدرش سهیل بن عمرو (نماینده مذاکره کننده قریش) تحویل داده بود و آن دو در حال بازگشت به اردوگاه قریش بودند، عمر بن خطاب به بهانه مشایعت به سمت ایشان رفت و با اشاره به به شمشیر خود، ابوحنبل را به نحوی ترغیب کرد تا همانجا سهیل را بکشد، اما ابوحنبل به عمر گفت: چرا تو خودت او را نمی‌کشی؟! و عمر در پاسخ گفت: «پیامبر(ص) مرا از کشتن او و غیر او (دیگر نمایندگان مذاکره کننده قریش) نهی کرده است» (واقعی، ۶۰۹/۲؛ ابن هشام، ۳۱۸/۲).

۲-۲-۶. حضور سفیران متخصص و اصلح

یکی دیگر از اصول مهم مذاکرات سیاسی پیامبر(ص)، استفاده از افرادی بود که برای این منظور مناسب به نظر می‌رسیدند (ابوالوفا، ۱۶۲). پیامبر(ص) در جریان حدیبیه،

سه نفر را برای مذاکره با قریش انتخاب کرد، اما یک نفر، عمر بن خطاب از بیم جاننش، فردی دیگر، یعنی عثمان بن عفان را پیشنهاد داد که پیامبر(ص) پذیرفت. اولین نماینده پیامبر(ص) خراش بن أمیة از قبیله خزاعه بود؛ قبیله‌ای که در جاهلیت جزء گروهی از قبایل به نام احابیش بود و ایشان با مطلب بن عبدمناف و قبیله قریش پیمان دوستی و همیاری معروف به «حلف احابیش» بسته بودند (بلاذری، ۱۱۲/۱). بنابر این، یکی از دلایل انتخاب خراش، علاوه بر توانمندی، موقعیت و بستگی مناسب وی بود؛ تا آن‌جا که در اثنای انجام این مأموریت، وقتی قریش قصد جان او را کرده بودند، احابیش جان وی را نجات دادند (ابن هشام، ۳۱۴/۲). یکی از عوامل اصلی انتخاب عمر بن خطاب این بود که وی پیش از اسلام، در نزاع‌ها و اختلافات، غالباً به عنوان یکی از نمایندگان قریش انتخاب می‌شد (ابن عبدالبر، ۱۱۴۵/۳). انتخاب عثمان نیز، به سبب جایگاه شخصی و پایگاه اجتماعی او در مکه بود (صالحی شامی، ۴۷/۵) و به همین سبب، او علی‌رغم ممانعت اولیه قریش، توانست با وساطت ابان بن سعید بن عاص، وارد مکه شود (مقریزی، ۲۸۹/۱). پیامبر(ص) در مواجهه با نمایندگان قریش نیز، با هر یک از آنها بسته به شخصیت و سوابق وی، رفتاری درخور شأن او داشت و با افرادی که صلاحیت نداشتند، حاضر نشد مذاکره کند؛ چنانکه ایشان از ملاقات و مذاکره با مکرز بن حفص خودداری کرد؛ زیرا او را فردی مکار و فاجر می‌دانست (یعقوبی، ۵۴/۲).

۲-۲-۷. توجه به پیام رفتاری در مذاکرات

از دیگر اصول مذاکرات سیاسی در سیره پیامبر(ص)، لزوم توجه به پیام‌هایی است که از رفتارها در حین مذاکره به طرف مقابل داده می‌شود. پیام رفتاری، ایجاد ارتباط و انتقال مفاهیم از طریق عناصر غیرکلامی است که مجموعه وسیعی از رفتارها و پدیده‌های اشاره‌ای و حرکتی را شامل می‌گردد و در سیاست نیز مذاکره کنندگان برای انتقال خواسته‌ها و اهداف خود از آن استفاده می‌کنند (باقری؛ زلیکانی، ۷۹-۱۰۰).

در جریان حدیبیه، عروه بن مسعود، مذاکره کننده سیاسی خیره قریش، برای بی اهمیت جلوه دادن مذاکره و بی‌احترامی به پیامبر(ص)، در حین مذاکره دست به محاسن

۱. این پیمان نامه نزد کوه حبشی - در نزدیکی شهر مکه - منعقد شد و در آن سوگند یاد کردند که تا زمانی که کوه حبشی بر جای خود استوار است، در برابر دشمنان، ید واحد باشند و هم‌دیگر را یاری کنند (ابن منظور، ۲۷۸/۶).

مبارک حضرت برد که این رفتار با واکنش مغیره بن شعبه روبه‌رو شد و او برای جلوگیری از این عمل، مرتب روی دست عروه می‌زد و یادآوری می‌کرد که احترام و ادب را مراعات کند (ابن‌هشام، ۳۱۳/۲؛ ابوداود، ۱۲۰۴/۳؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۷۸/۹). در مقابل، پیامبر اکرم(ص) مشغول وضو شد و عروه با کمال اعجاب دید که یاران پیامبر(ص)، برای تبرک، در برداشتن قطرات آب وضوی پیامبر(ص) از هم پیشی می‌گیرند. او هنگام مراجعت نزد قریش، در حالی که سخت تحت تأثیر این رفتار قرار گرفته بود، ماجرا را نقل کرد و گفت تاکنون ندیده است کسی از رهبر خویش اینچنین پیروی کند (طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۶۲۷/۲؛ بخاری، ۴/۴۲۷؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۷۸/۹).

۲-۲-۸. تقویت روحیه مذاکره‌کنندگان

یأس و خودباختگی در مذاکرات، به وادادگی و در نهایت پذیرش خواسته‌های طرف مقابل منتهی می‌گردد. وظیفه رهبری در حین مذاکره، توجه به اقدامات طرف مقابل و خنثی‌سازی آن است؛ نظیر آنچه در اقدام به موقع پیامبر اکرم(ص) در برخی از مذاکرات دیده شد: در جریان حدیبیه هنگامی که پیامبر(ص)، شایعه کشته شدن نماینده مذاکره‌کننده خود، عثمان را شنید، برای جلوگیری از ناامیدی مسلمانان و تقویت همبستگی ایشان، با انجام بیعت رضوان، به آنها روحیه‌ای مضاعف برای ادامه پیروزمندانه مراحل مذاکرات بخشید (نک: طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۵۴/۲۶؛ مجلسی، ۳۳۰/۲۰).

۲-۲-۹. ثبت نتایج مذاکرات و اخذ ضمانت‌های اجرایی آن

به حکم عقل، نتایج مذاکرات توافق شده طرفین باید به صورت پیمان‌نامه نگاشته و ثبت شود. در مذاکرات حدیبیه، نتایج مذاکرات در نه بند^۱، به کتابت امام علی(ع) در قالب صلح‌نامه‌ای ثبت شد تا هرگونه تخلف از اجرای مفاد توافق‌نامه منتفی گردد. البته میان

۱. در اکثر این منابع، بندهای لازم‌الاجرا شامل پنج بند کلی است (واقعی، ۶۱۱/۲ و ۶۱۲؛ بخاری، ۳۶۴/۶؛ همو، ۴۰۰/۴ و ۴۰۱؛ مسلم، ۱۴۱۰/۳ و ۱۴۱۱؛ ابوداود، ۱۲۰۵/۳؛ همو، ۷۹۰/۲)، اما در دیگر مآخذ (قمی، ۲۸۹/۲؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۷۹/۹؛ یعقوبی، ۵۴/۲؛ ابن‌سالم، ۲۳۲) چهار بند دیگر نیز نقل شده است.

پیامبر و سهیل بن عمرو در باب حفظ و نگهداری نسخه‌ای از صلح‌نامه، اختلاف پیش آمد و سرانجام به تدبیر پیامبر (ص) نسخه دیگری نیز تهیه و نسخه اول نزد پیامبر (ص) و نسخه دیگر به سهیل بن عمرو نماینده قریش سپرده شد (واقعی، ۶۱۲/۲؛ بلاذری، ۳۵۰/۱). علاوه بر نگارش متن پیمان‌نامه، افرادی از طرفین آن را گواهی کردند، مانند ابوبکر بن ابی قحافه (۱۳ق)، عمر بن خطاب (۲۳ق)، عبدالرحمان بن عوف (۳۲ق)، سعد بن ابی‌وقاص (۵۴ق)، عثمان بن عفان (۳۵ق)، ابوعبیده جراح (۱۷ یا ۱۸ق) و محمد بن مسلمه (۴۳ق) از طرف مسلمانان و حویطب بن عبدالعزی، مکرز بن حفص بن اخیف از جانب قریش (واقعی، ۶۱۱/۲).

۲-۳. اصول گفتاری - بیانی

بخشی از اصول مذاکرات سیاسی، قواعد و دستورهای مرتبط با حوزه گفتار و نحوه بیان است. در این باب، منابع مرتبط با مذاکرات حدیبیه به شرح ذیل، قابل تحصیل و تبیین است:

۲-۳-۱. مراعات حکمت در گفت‌وگو

در مذاکرات حدیبیه، پیامبر (ص) ضمن آن که درخواست‌های خود را با لسان و بیانی حکمت آمیز و منطقی مطرح فرمود، در مواضعی ضمن شنیدن استدلال‌های قریش از نظر و خواسته خود صرف‌نظر کرد؛ برای نمونه اعتراض سهیل بن عمرو در خصوص به‌کارنبردن عنوان «رسول‌الله» در متن صلح‌نامه که بود گفت: «اگر ما قبول داشتیم که تو رسول خدایی دیگر جنگ نمی‌کردیم». به هر حال پیامبر (ص) پذیرفت و عنوان را تغییر داد (ابن هشام، ۳۱۷/۲)؛ لذا در مذاکره سیاسی که گفت‌وگویی طرفینی است، باید هر یک از طرفین، دیدگاه‌های خویش را با گفتار و بیانی مستدل مطرح کنند.

۲-۳-۲. استفاده از فنون شیوایی و رسایی سخن

یکی دیگر از اصول مهم در مذاکرات، به کار بردن کلام فصیح و بلیغ است. کوتاه سخن گفتن که از آن در علوم بلاغت به ایجاز یاد می‌شود، از اسباب اصلی رسایی در گفتار است.^۱ در مذاکرات حدیبیه، پیامبر (ص) در نخستین دیدار خود با نماینده قریش (بدیل)

۱. از دیدگاه دانشمندان علوم بلاغت، ایجاز، رساندن مقصود با عبارتی کمتر از حد متعارف است و جایگاه آن در رسایی سخن تا حدی است که ایشان در سخنی اغراق‌آمیز بلاغت را در ایجاز خلاصه می‌کنند (البلاغه هی‌الایجاز). (تفتازانی، ۲۸۲)

با کلامی فخیم و در عین حال امیدبخش، کوشید پیام «صلح‌طلبی» خویش را به او برساند: «إِنَّا لَمْ نَجِئْ لِقِتَالِ أَحَدٍ» (= ما برای جنگ با کسی نیامده‌ایم) سپس گفت: «وَلَكِنَّا جِئْنَا مُعْتَمِرِينَ» (= بلکه برای ادای عمره آمده‌ایم). در ادامه نیز با پیشنهاد صلح بر این امر تأکید کرد. نحوه ترتیب و چینش این عبارات در کنار هم سبب گردید تا خواسته و پیام رسول خدا (ص) در جهت صلح به خوبی منتقل شود. البته در این میان، عبارت نافذ «حَتَّى تَنْفِرَدَ سَالِفَتِي»^۱ سبب گردید تا بدیل دریابد که پیامبر(ص) تا چه حد مشتاق زیارت‌خانه خداست و در صورت تمایل قریش به جنگ، پیامبر(ص) نیز کاملاً آمادهٔ مقابله است (نک: طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۶۲۶/۲؛ بخاری، ۴۲۵/۴-۴۲۴؛ مجلسی، ۵۴۸/۳۲).

۲-۳-۳. رعایت ادب در گفتار

یکی از اصول گفتاری - بیانی مذاکرات که نمایندگان مسلمان باید با عنایت به سیرهٔ سیاسی پیامبر(ص) بدان اهتمام داشته باشند، رعایت جوانب ادب در گفتار است. در مذاکرات حدیبیه با وجود آنکه عروه بن مسعود، هنگام مذاکره با پیامبر (ص) نسبت به مسلمانان با عبارت «أَوْشَابَ النَّاسِ»^۲ (اوباش و انسان‌های فرومایه) بی‌احترامی کرد و این امر موجب دلخوری شد. در مقابل، پیامبر (ص) از به کار بردن چنین الفاظی امتناع کرد (ابن‌هشام، ۳۱۳/۲). به‌علاوه، سهیل بن عمرو، هنگام گفت‌وگو با پیامبر (ص)، ناگاه صدایش رابه‌نحوی که خارج از حد متعارف و منافی اقتضای ادب بود، بالا برد. این مسأله بلافاصله با واکنش یاران پیامبر (ص) مواجه شد و به وی تذکر دادند که در محضر رسول خدا (ص) آهسته سخن بگویند و جانب ادب را نگاه دارد (واقفی، ۶۰۶/۲).

۲-۳-۴. بهره‌گیری از ادبیات ملایم و تنش‌زدا

یکی از تأثیرگذارترین اصول در پیشبرد مذاکرات، بهره‌گیری از ادبیات ملایم و تنش‌زداست. لحن نرم، صمیمانه و دلنشین به ایجاد فضای مسالمت‌آمیز در گفت و گو کمک می‌کند.^۳ در مذاکرات حدیبیه، پیشینهٔ دشمنی میان پیامبر(ص) و قریش

۱. «سالف» به معنای دو ماهیچهٔ جانبی گردن است که از آن‌به قسمت میانی ترقوه کشیده شده و مراد از این عبارت پیامبر (ص)، آن است که «تا آنجا می‌جنگم که یا امر خدا به سرانجام برسد و یا» بین سر و بدنم جدایی افتد (اصفهانی، ۱۱۳/۲).

۲. «أَوْشَابَ النَّاسِ» و «أَوْبَاشِهِمْ» به یک معنا هستند (صاحب، ۳۹۵/۷).

۳. خداوند سبحان خطاب به موسی(ع) و هارون(ع) برای مذاکره با فرعون نیز می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/۴۴) (= پس به نرمی با او سخن بگویند. شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد).

می‌توانست فضای گفت و گو را به سمت تنش و درگیری لفظی بکشاند؛ چنان‌که در مراحل مذاکرات، این مسئله در مواجهه عروه بن مسعود تا حدی عیان گردید و موجب واکنش برخی از اصحاب پیامبر (ص) نیز شد؛ با این وجود، پیامبر (ص) به نرمی و خالی از هرگونه بغض و کینه، با اخلاق حسنه و رفتاری پسندیده، اهداف و خواسته‌های خود را بیان کرد (ابن هشام، ۳۱۳/۲) و این امر، موجب پیشبرد صحیح جریان مذاکرات و رسیدن به توافق نهایی گردید (همان).

۳. اهداف مذاکره

همچون دیگر امور، مذاکره نیز در سیره پیامبر به قصد دستیابی به اهدافی است که می‌توان روح آن را امر مقدس صلح دانست؛ موضوعی که البته در قرآن کریم بر آن بسیار تأکید شده و در سنت قولی پیامبر (ص) نیز شواهد بسیار دارد. با بررسی سیره پیامبر (ص) در منابع معتبر فریقین، مهم‌ترین اهداف و ثمرات مذاکرات صلح حدیبیه به شرح ذیل، قابل ارائه و تبیین است:

۳-۱. تأمین مصالح و منافع طرفین

در پایان مذاکرات، صلح حدیبیه به تأمین مصالح و منافع مسلمانان و قریش منجر شد. شرایط به نحوی بود که از یکطرف، یهود خیبر در شمال مکه و قریش ضمن برقراری ائتلافی با ایشان در جنوب این شهر قرار داشتند و اگر پیامبر (ص) با هر یک از دو درگیر می‌شد، دیگری به مدینه حمله می‌کرد. مسلمانان، آن اندازه قدرت نداشتند که به صورت توأم با هر دو درگیر شوند (نک: سرخسی، ۸۶/۱۰؛ حمیدالله، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ۳۱۱). بر این نکته باید افزود که پیامبر اسلام (ص) «کشورگشا» نبود و اقدامات او برای دعوت به دین خدا بود و از منظر نظامی، جنبه پیشگیرانه یا دفاعی داشت. از سوی دیگر، بیم قریش نیز از آن بود که اگر مسلمانها - به اختیار و توان خود- وارد مکه شوند و حج بجای آوردند و سپس به دیار خود بازگردند، دیگر آبرو و اعتباری برای قریش باقی نخواهد ماند (نک: واقدی، ۵۷۹/۲ و ۵۸۰). در همین راستا مصالح و منافع طرفینی دیگری نیز به شرح ذیل نیز محقق گردید:

۳-۱-۱. جلوگیری از منازعه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات

بر پایه سیره نبوی، یکی از مهم‌ترین اهداف مذاکرات، جلوگیری از وقوع جنگ و حل

مسالمت‌آمیز اختلافات است. مذاکرات حدیبیه نیز اساساً بدین منظور صورت گرفت. در متن صلح‌نامه نیز بر ترک جنگ و دست برداشتن از دشمنی، به عنوان اولین ماده تأکید شده است (ابن هشام، ۳۱۷/۲؛ قمی، ۳۱۳/۲). یکی از نتایج جنگ برای طرفین درگیر، بالطبع تحمیل هزینه‌های جانی و مالی است. ممانعت از کشتار، یکی از اهداف و ثمرات صلح حدیبیه بود.^۱ قریش هم در آن زمان به جنگ تمایل چندانی نداشت؛ زیرا درگیری‌های پیشین آنها با مسلمانان، موجب هزینه‌های سنگین مالی شده بود (نک: علی، ۲۸۷/۷ و ۲۸۸).

۳-۱-۲. ایجاد امنیت پایدار

تلاش برای ایجاد امنیت پایدار حداقل به مدت ۱۰ سال، یکی از اهداف مذاکرات حدیبیه بوده که در مفاد صلح‌نامه نیز بدان تصریح شده است. در صلح‌نامه این مذاکرات، امنیت مردم با دست برداشتن از دشمنی و ترک غارت و خیانت یکدیگر و امتناع از نیرنگ و ورزیدن تأمین شده است (نک: ابن هشام، ۳۱۷/۲؛ قمی، ۳۱۳/۲). همچنین از دیگر بندهای متضمن ایجاد امنیت پایدار، ماده‌ای از صلح‌نامه است که به ایشان اجازه رفت و آمد به شهرهای یکدیگر را در سایه امنیت می‌داد (بلاذری، ۴۴۱/۱). در این شرایط، طرفین مخصوصاً قریشیان تجارت پیشه می‌توانستند به اقتصاد و تجارت خود رونق بخشند؛ چه اینکه در سایه صلح بعد از مذاکرات، مسیر تجاری مکه به شام بازگشایی می‌شد و کاروان‌های قریش از تهدید احتمالی مسلمان‌ها در امان می‌ماند.^۲ همچنین این صلح، زمینه‌ای مهیا کرد تا تعرضات مالی و جانی قریش نسبت به مسلمانان نیز رسماً ممنوع و محکوم باشد (نوایی، ۱۷۵-۲۰۰).

۳-۲. زمینه سازی برای تحقق آرمان‌های الهی

گسترش آیین وحدانیت و اعتلای کلمه الله، از مهم‌ترین آرمان‌های الهی پیامبر

۱. به نوشته مؤلف کتاب المغازی: «جنگ میان مردم مانع گفت و گو شده بود و بدون تردید اگر برخوردی پیش می‌آمد، همراه با کشتار بود، ولی چون صلح پیش آمد، جنگ آرام گرفت و مردم نسبت به یکدیگر احساس امنیت کردند» (واقعی، ۶۲۴/۲).

۲. یکی از بندهای صلح‌نامه حدیبیه چنین است: «نسبت به یکدیگر خیانت نکنند، سرقت و غارتی انجام ندهند و کاری به یکدیگر نداشته باشند» (واقعی، ۶۱۱/۲).

اسلام (ص) بوده است. در زمان بعثت پیامبر (ص)، مهم‌ترین مانع جهت تحقق این آرمان الهی، وجود سیطره استکباری قریش بود؛ لذا آن حضرت، با مذاکرات حدیبیه به دنبال آن بود تا بتواند به دور از کارشکنی و سیطره قریش، اسلام را بر سایر اقوام و قبایل عرضه نماید و این هدف مهم موجب گردید تا به این مذاکرات به عنوان مقدمه زمينه‌ساز آن اهتمام ورزد (منتظری مقدم، ۱۲۹). با صلح حدیبیه راه اسلام بیش از پیش گشوده شد؛ تا بدان جا که تعداد کسانی را که در دو سال بعد از حدیبیه به اسلام گرویدند، بیشتر از تمامی کسانی دانسته‌اند که در طول نوزده سال بعثت پیامبر (ص) به اسلام گرویده بودند (نک: ابن اثیر، *اسد الغابه*، ۱۴۹/۵؛ طبرسی، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، ۹۸) این صلح، امکان رفت و آمد میان طرفین و در نتیجه آشنایی از نزدیک مشرکان با مکتب اسلام و اخلاق پیامبر (ص) را فراهم کرد و گروه زیادی به اسلام درآمدند (احمدی میانجی، ۹۴/۳). تا جایی که حتی برخی از سران مشرکان (همچون عمرو بن العاص و خالد بن الولید) نیز در این مدت مسلمان شدند (نک: واقدی، ۶۲۴/۲) و قلوب بسیاری از مردمان قریش به اسلام متمایل گشت و این امر به دلیل قرین بودن آن با زیرپا گذاشته شدن صلح نامه توسط قریش پیش‌زمینه‌ای برای فتح مکه بدون مانع و درگیری شد (نک: بلاذری، ۳۵۳/۱-۳۵۵؛ احمدی میانجی، ۹۵/۳) با محقق شدن این کلان هدف تبلیغی، سایر اهداف تبلیغی پیامبر (ص) نیز پیرو آن به شرح ذیل عملیاتی شد:

۳-۲-۱. اقامه آزادانه شعائر الهی و پویا ساختن حج

کسب اجازه برای زیارت کعبه و به تبع آن اقامه شعائر الهی، یکی از اهداف پیامبر (ص) از مذاکرات حدیبیه و حتی حرکت مسلمانان از مدینه به سوی حدیبیه نیز در قالب کاروان حج بوده است. پیامبر (ص) در «ذی الحلیفه» جامهٔ إحرام پوشید و شترهای قربانی را جلوتر از کاروان فرستاد تا به قریش بفهماند که به قصد طواف خانه خدا به راه افتاده است (واقدی، ۵۷۴/۲ و ۵۷۵). پیامبر (ص) سعی کرد تا با مذاکره، قریش را متقاعد سازد که بگذارند ایشان و یارانشان وارد مکه شوند و اعمال عمره را به جا آورند (عمید زنجانی، ۳۲۲) و با عنایت به ضرورت و اهمیت طواف کعبه توسط موحدان با حضورشان موجب پویایی مراسم حج گردند.^۱ در نتیجهٔ این مذاکرات، مسلمانان موفق

۱. امیرالمؤمنین علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «خدا را! خدا را! دربارهٔ خانه پروردگارتان، تا هستید، آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی‌شوید». (نهج البلاغه، نامه ۴۷؛ مجلسی، ۲۴۹/۴۲) همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «دین برپاست تا مادامی که کعبه برپاست». (همو، ۵۷/۹۶).

شدند این امتیاز را بگیرند که سال آینده بدون هیچ درگیری به عمره و طواف خانه خدا بیایند (ابن سعد، ۷۴/۲).

۳-۲-۲. نشر و گسترش جهانی اسلام

بر پایه شواهد تاریخی و تحلیل برخی، مسلمان‌ها تا به آن روز دائماً در حال جنگ با مشرکان و در فکر تهیه لشکر و اسلحه، تنظیم سپاه و استحکام برج و باروی شهر مدینه در برابر حملات احتمالی بودند اما بعد از صلح حدیبیه با خیالی آسوده به تفکر در دستورات اسلامی و بسط و دعوت انسان‌های دیگر نقاط جزیره العرب بلکه ممالک دیگر به اسلام افتادند (ابن هشام، ۲/ ۳۲۲؛ رسولى محلاتى، ۱۳۹۱: ۵۰۰). فراهم شدن زمینه توسعه فعالیت‌های پیامبر (ص)، به نحوی بود که ایشان پس از انعقاد صلح‌نامه با ارسال نمایندگان به سمت پادشاهان سرزمین‌های مجاور و دعوت ایشان به اسلام برای مذاکره با آنها نیز اقدام کرد (نک: طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ۶۴۴/۲-۶۵۷؛ مجلسی، ۳۹۱/۲۰؛ همان، ۳۸۹؛ کلینی، ۲۶۹/۸).

۳-۳. به رسمیت شناخته شدن حکومت اسلامی

این مذاکرات و قرارداد صلحی که منعقد شد، به تبع خود، هدف راهبردی مهمی را محقق ساخت. تا پیش از حدیبیه، قریش برای براندازی حکومت اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد (منتظری مقدم، ۱۳۰ و ۱۳۱)؛ اما صلح حدیبیه موجب آن شد که قریش عملاً حکومت اسلامی را بدون جنگ و خونریزی به رسمیت بشناسد و این امر موجب تثبیت موقعیت مسلمانان در جزیره العرب گردید و این به عبارتی به معنای قبول عظمت و اقتدار پیامبر(ص) بود (نوایی، ۱۷۵-۲۰۰). پیرو تحقق این هدف راهبردی، اهداف فرعی دیگری که مرتبط با آن بود نیز به شرح ذیل محقق گشت:

۳-۳-۱. مشروعیت یافتن پیمان‌ها

یکی از اهداف و ثمرات به دست آمده از مذاکرات صلح حدیبیه و مواد توافق‌نامه برآمده از آن، معتبر شناخته شدن ضمنی پیمان‌های هریک از طرفین از سوی طرف دیگر است. پر واضح است که این امر، بستر مناسبی را برای دستیابی به مقصود مد نظر از هر پیمان و تحقق آن ایجاد می‌کرد؛ چنان‌که با استفاده از این شرایط، قبیلۀ خزاعه نیز هم پیمانی خود را با مسلمانان رسماً اعلام کرد (ابن هشام، ۳۱۸/۲).

۳-۳-۲. آزادی عقیده

امکان اظهار آزادانه اعتقاد به اسلام و خروج تازه مسلمان‌های مکه از حالت تقیه، یکی از اهداف و دستاوردهای ارزشمند مذاکرات حدیبیه بود؛ زیرا تا قبل از صلح حدیبیه، آنها تحت فشار و شکنجه مشرکان قرار داشتند و جرئت نمی‌کردند اظهار عقیده کنند. بدین ترتیب آنها توانستند ضمن بهره‌مندی از آزادی اعتقادی، به مناسک و مراسم خود پردازند (قمی، ۳۱۱/۲).

نتیجه:

۱. مذاکره در سیره پیامبر اکرم (ص)، هدفی برنامه‌ریزی شده و با انگیزه الهی، برای حل مسالمت آمیز اختلافات با مخالفان بود که از طریق گفت و گوی طرفینی میان آن حضرت یا نمایندگان ایشان با طرف مقابل به صورت مستقیم یا غیرمستقیم رخ داد.
۲. «عزت‌مندی و احساس سربلندی»، «امیدواری و اعتماد بر تحقق وعده الهی»، جزء مهم‌ترین اصول روانی - پنداری مذاکرات سیاسی پیامبر اکرم (ص) را تشکیل می‌دهند.
۳. «پیشگامی و آمادگی برای مذاکره»، «تناسب رفتاری»، «نرمش مصلحت‌آمیز»، «التزام به وفای به عهد»، «تضمین مصونیت گروه‌های سفیران»، «حضور سفیران متخصص و اصلح»، «توجه به پیام رفتاری در مذاکرات»، «تقویت روحیه مذاکره‌کنندگان» و «ثبات نتایج مذاکرات و اخذ ضمانت‌های اجرای آن» از مهم‌ترین اصول رفتاری - کرداری مذاکرات سیاسی پیامبر اکرم (ص) محسوب می‌شوند.
۴. اصول گفتاری - بیانی در مذاکرات شامل «مراعات حکمت در گفت‌وگو»، «استفاده از فنون شیوایی و رسایی سخن»، «رعایت ادب در گفتار» و «بهره‌گیری از ادبیات ملایم و تنش‌زدا» است.
۵. مهم‌ترین اهداف مذاکرات سیاسی پیامبر (ص) در حدیبیه، «زمینه‌سازی تحقق آرمان‌های الهی» به منظور اقامه آزادانه شعائر الهی، پویایی مراسم حج و نشر جهانی اسلام، «تأمین مصالح و منافع طرفین» با جلوگیری از منازعه، حل مسالمت‌آمیز اختلافات و ایجاد امنیت پایدار، «به رسمیت شناخته شدن حکومت اسلامی» و به تبع آن مشروعیت یافتن پیمان‌ها و نیل به آزادی عقیده است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.
- ابن اثیر، ابوالحسن عزّ الدین علی بن محمد؛ *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، تحقیق: محمد ابراهیم البنا و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- همو، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۵م.
- ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد، *جوامع السیره النبویه*، عبدالکریم سامی الجنیدی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۱م.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، تحقیق: عامر غضبان و ابراهیم زبیک و محمد برکات و محمد نعیم عرقسوسی و شعیب ارنووط و کامل خراط (زیر نظر عبدالله بن عبدالمحسن ترکی)، لبنان: مؤسسه الرساله، بی تا.
- ابن سعد، منیع الهاشمی البصری، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى، ۱۴۱۰ ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام* (لابن شهر آشوب)، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن عبدالبر، أبوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد؛ *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*، بیروت: دار صادر ۱۴۱۴ ق.
- ابن هشام الحمیری المعافری، عبدالملک؛ *السیره النبویه*، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- ابوالوفا، احمد؛ *حقوق دیپلماتیک (رهیافت اسلامی)*، ترجمه و تحقیق: سید مصطفی میرمحمدی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۳ش.
- ابو داود، سلیمان بن أشعث؛ *سنن أبی داود*، شرح: سید محمد سید و عبدالقادر عبدالخیر، تحقیق: سید ابراهیم، قاهره: دارالحديث، بی تا.
- احمدی میانجی، علی؛ *مکاتیب الرسول (ص)*، قم: دارالحديث، ۱۴۱۹ ق.
- اصفهانى، حافظ ابو موسى؛ *المجموع المعیث فی غریب القرآن و الحدیث*، تحقیق عبدالکریم الغرباوی، مکه: مرکز احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
- افتخاری، اصغر، "دیپلماسی حکومت پیامبر(ص)"، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱، صص ۲۲-۵۳.
- البکری، ابی عیید، *معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع*، مصطفی سقا، بیروت: عالم الکتب. بی تا.

- آل یاسین شیخ راضی، صلح امام حسن علیه السلام، مترجم آیت الله خامنه‌ای، تهران: آسیا، ۱۳۴۸ ش.
- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۸ ش.
- بادران، حسن، «دیپلماسی نبوی (استراتژی پیامبر در صلح حدیبیه)»، خردنامه همشهری، بهمن ۱۳۸۵، شماره ۱۱، صص ۵۰-۵۱.
- باقری خلیلی، علی اکبر؛ زلیکانی، مرضیه، «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی»، متن پژوهی ادبی، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۶۵، صص ۷۹-۱۰۰.
- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح بخاری (الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله (ص) و سننه و آیامه)، تحقیق: وزارت اوقاف مصر، چاپ دوم، قاهره: وزارة الأوقاف، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ ق.
- بلادری، ابو العباس احمد بن یحیی؛ انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکّار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلام، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۵ ش.
- پورامینی، محمدحسین، اسلام و حقوق دیپلماتیک، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
- تفتازانی، مسعود بن عمر، کتاب المطول و بهامشه حاشیة السید میرشریف، حاشیه: سید میرشریف جرجانی، قم: مکتبه‌الداوری، بی تا.
- حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله؛ معجم البلدان، چاپ دوم، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵ م.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق / مصحح: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملایین، اول، ۱۳۷۶ هـ ق.
- حمیدالله، محمد؛ مجموعه الوثائق السیاسیة للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۰۷ ق.
- همو، حقوق روابط بین الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق: سید مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی (انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- همو، سلوک بین المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن؛ مسند دارمی (سنن دارمی)؛ تحقیق: حسین سلیم دارانی، ریاض: دارالمغنی، ۱۴۲۱ ق.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.

- راغب اصفهانی، حسن بن محمد؛ ترجمه مفردات الفاظ قرآن، ترجمه: مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: سبحان، ۱۳۸۵ش.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، حسین احمد، مصطفی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- سرخسی، شمس الدین، کتاب المبسوط، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ ق.
- شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، چاپ سی و ششم، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳ش.
- شبان‌نیا، قاسم؛ «کاربست مذاکره در دیپلماسی کشور اسلامی»، حکومت اسلامی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۷۹، صص ۲۶-۵.
- صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف؛ سبیل هدی و الرشد فی سیرة خیر العباد، تحقیق: عادل احمد عبدال موجود؛ علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- صدر، جواد؛ حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ من لایحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ هـ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
- همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق.
- همو، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة، اول، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، عاملی، احمد حبیب، لبنان: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: جامعة بغداد، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی؛ حقوق معاهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۹۰ش.
- همو، «گوشه‌ای از دیپلماسی پیامبر اسلام مذاکره با سفرا و نمایندگان قبائل و گروه‌های مذهبی و دولت‌ها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرداد ۱۳۶۰، شماره ۲۳، صص ۱۹۱-۲۱۰.
- فخاری، حسین، برخوردار، ناصر، «بررسی استراتژی پیامبر اعظم(ص) در صلح حدیبیه»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱۳، صص ۷۸-۵۱.

- قائدان، اصغر، تاریخ و آثار اسلامی، مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران: مشعر، ۱۳۸۶ ش.
- قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق، سیرت رسول الله، تحقیق: اصغر مهدوی، تهران: خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش
- قرچانلو، حسین، حرمین شرفین (تاریخ مکه و مدینه)، تهران: سپهر، ۱۳۸۰ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق/ تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مسلم، ابن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم (الجامع الصحیح)، تصحیح: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ ق.
- مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بمال النبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسسی، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- منتظری مقدم، حامد، بررسی تاریخی صلح‌های پیامبر (ص)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.
- نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: المؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲ ق.
- نوابی، علی اکبر، «شاخصه‌های کارآمدی صلح در مکتب پیامبر (ص)»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، شماره ۷۵، صص ۱۷۵-۲۰۰.
- واقدی، محمد بن عمر؛ المغازی، به کوشش مارس دنجونس، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ ق.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب و اضحا لکاتب العباسی؛ تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۵ ق.